

شعر فروغ قلمرو زنان است

آلبوم «پری خوانی» کار آقای شکیبایی به دلیل تحر ایشان در ادای کلمات و دکلماسیون بسیار شنیدنی است. کنار هم قرار گرفتن شکیبایی و فرخزاد در حقیقت همکاری دو برند محبوب است که باعث می‌شود این اثر بسیار مورد توجه واقع شود. در مورد آلبوم «کجاست خانه بناد» با دکلمای الهام پاوه‌نژاد - بدون در نظر گرفتن اینکه ایشان یک بازیگر هستند و در ادای کلمات تحر دارند- اینکه یک زن برداشت خود را از شعر فروغ ارائه داده است، ماجرا را جذاب‌تر می‌کند. هر دوی این اجراها برداشته‌های شخصی هستند اما میزانی که یک زن می‌تواند به فروغ نزدیک شود، با شعر او همذات‌پنداری کند و جان مطلب را در بیابورد، قطعاً بیشتر از برداشته‌های مردانه است.

به نظرم در کل، این آلبوم یک مجموعه ارزشمند بوده هم به واسطه موسیقی خوب «پیمان خازنی» و هم اینکه خانم پاوه‌نژاد در واقع اشعار فروغ را به گونه صوتی بازی کرده بودند. اما اینکه در نهایت این آلبوم از چه درجه هنری برخوردار است باید در موردش بحث صورت بگیرد. من خودم هم یک سری نقد داشتم و فکر می‌کنم شاید می‌شد با تغییراتی اتفاق بهتری برای این آلبوم رقم بخورد.

آفتهای فروغ خوانی

میان آثار موزیکال اجرا شده از شعر فروغ، کار «معین» (عاشقانه) بیشتر از همه موفق بوده و شنیده شده است. به نظرم باید هنرمندان معروف و محبوب پناپ که با عامه مردم در ارتباطند، سراغ آثار پر محتوای معاصر، مثل اشعار فروغ برونند.

اما که گاه می‌بینیم که فروغ خوانی از روی دغدغه‌مند بودن و فروغ‌شناسی اتفاق نمی‌افتد، بلکه انگار دلیل این کار فقط ژست‌های روشنفکرانه است که در پس خواندن شعر

فروغ نهفته است. در بعضی موارد خواننده حتی نمی‌داند که فروغ در شعرش چه گفته اما چون توجه به فروغ تضمین شده است، آن را انتخاب می‌کند. با اینکه اغلب آثار اجرا شده از فروغ، آن اثری نیستند که پر محتوایترین اشعار او هستند. فرقی هم ندارد که خواننده زن باشد یا مرد «زنانگی» مشخصه شعر فروغ است اما حتی زنان هم به دنبال اجرای آثار زنانه او نمی‌روند. همه بیشتر دنبال اشعار معمولی او رفتند که هم موزون‌ترند، هم ریتمک کمتری دارند و هم مجوز گرفتن‌شان راحت‌تر است.

عمق کلام فروغ درک نشده

نگاه زنانه فروغ در بعضی از آثارش و عدم خودسانسوری او، این شائبه را پیش آورده است که آثار فروغ اصطلاحاً «اروتیک» هستند یا به «جنسیت‌گرایی در شعر» اشاره دارند. این دست موضوعات در فرهنگ ما جزو تابوها هستند و همین به بهانه‌های برای ممیزی شدن آثار و حتی اسم فروغ تبدیل شده است. حیرت‌انگیز است که حتی در دانشگاه هم با دانشجوی دکتری مواجه شدم که یک خط از شعر فروغ را نشنیده ولی وقتی بحث علمی و آکادمیک در مورد شعر معاصر و شعر فروغ می‌شود، اولین چیزی که به ذهن او می‌رسد این است که «فروغ شاعری بی پروا و هرزه بوده»

می‌خواهم بگویم جامعه ما هیچ وقت عمق کلام فروغ را درک نکرده، در حالی که همیشه به دلیل حاشیه‌های شعرش او را متهم کرده است. من معتقدم اتفاقاً این به دلیل اروتیک‌زدگی خود جامعه است که از کل حرف شاعر، فقط به قسمت‌هایی خاص از شعر او حساسیت نشان می‌دهد.

پیچیدگی‌های فروغ خوانی

در بحث موسیقی و خواندن اشعار فروغ باید پذیرفت که شعر او عامه‌پسند نیست. فکر می‌کنم اگر من به عنوان یک

خواننده پاپ بخواهم یکی از اشعار غیر موزون فروغ را برای بازار موسیقی ایران بخوانم، نه تنها شنیده نمی‌شود بلکه مورد هجوم انتقادها هم قرار می‌گیرم. مخاطب عام انتقاد می‌کند که این چه آهنگی است؟ و خواص هم انتقاد می‌کنند که چرا شعر فروغ را این‌طور خواندی؟!

در هر صورت ما باید تمام تلاش مان را بکنیم تا اثری خلق شود که عامه را درگیر کند و اثر فروغ را به اکثریت جامعه مخاطب بشناساند، وگرنه خواص که فروغ را می‌شناسند و می‌خوانند و نیازی به این معرفی‌ها ندارند. به نظرم اگر فروغ امروز زنده بود، به خیلی از کسانی که آثار او را خوانده‌اند اجازه نمی‌داد این کار را بکنند. چون خیلی از این خوانندگان شعر او را درک نکرده‌اند و فقط خوانده‌اند تا فروغ خواننده باشند؛ چون فروغ خواندن پرستیژ دارد! یعنی هنرمند این اثر را نخوانده که تفکر فروغ را به مخاطب خود بشناساند، خواننده که از اسم فروغ برای خودش اعتباری کسب کند.

یادآور سینمای اروپای شرقی

به نظرم آثار فروغ بُعد سینمایی هم دارد. انگار شاعر «دکوپاژ شده» شعر نوشته است. شعر او پر از تصویرهای ناب و رشک‌برانگیز است. شعر او من را یاد سینمای اروپای شرقی می‌اندازد.

حقیقت این که کار روی آثار فروغ بسیار پیچیده است. من هم خیلی دلم می‌خواهد در این زمینه کاری بکنم و اثری از آثار فروغ را اجرا کنم. اما نه یک کار معمولی. در مورد چنین اثری باید بسیار فکر شده کار کرد. مدت‌هاست که در حال تحقیق‌ها تا بتوانم کاری از فروغ بسازم یا بخوانم که هم خودم به عنوان دوست‌دار فروغ از آن راضی باشم، هم اینکه کار هیبت و پرمخاطبی بشود. آن وقت هم در کار خودم موفق بودم و هم «دینم را به فروغ ادا کردم»



«ویژمانامه» انتشار آلبوم «فروغ» با صدای علیرضا قربانی بهانه‌ای شد تا به آرزهای آثار موسیقایی بهره‌مند از اشعار فروغ فرخزاد بهره‌ایم. سنجش کارنامه این آثار حکایت از-

سایر اجراها:

- سینا سرلک (موج بی‌قرار)، وحید حاجی‌تبار (دخترک)
- فرید طباطبانی (سکوت سرد، ترس و مسخ)، محسن مرعشی (روزهای تردید)، بابک سلمان (یاد یک روز، و اندوه تنهایی)
- امیر آرتا (دوست داشتن و صبر سنگ)، گروه DATBAND (پرنده مردنی‌ست)، گروه باد (دیوار)، اشکان حجتی (پاییز)، میلاد درخشانی (برف و قفس)، مجید ناظم‌پور (کودک دل)، سارو (عصیان)، مصطفی میرزاده (آه زندگی)، امیراشکان غلامی (گره و چشم به راه)، کیان مقدم (اندوه تنهایی)، گروه ساکن روان (آفتاب می‌شود، و سلام ماهی‌ها) و...

غسالی با صدای علی زند و کیلی است که شامل چهار قطعه با اشعار فروغ و دو قطعه بی‌کلام است. نام این آلبوم هم از شعری گرفته شده که بارها توسط خوانندگان مختلف اجرا شده و از این جهت قابل توجه است که به صورت کامل به اشعار فروغ فرخزاد اختصاص دارد.

دیگر آلبومی که از نظر تعدد اشعار جزو رکوردداران بوده، «خانه‌ام ابری‌ست» با موسیقی و صدای آبتین ژبان است که در آن چهار قطعه با اشعار فروغ شنیده می‌شود.

چند آلبوم هم بر اساس اشعار فروغ شکل گرفته‌اند: فرشاد رضایی در آلبوم راک «شنیدایی درون یک و دو» که با آهنگسازی کاوه یغمایی و بصیر فقیه‌نمیری منتشر کرد، هفت شعر از فروغ را خوانده است.

ارسلان کامکار در تازه‌ترین آلبوم خود علاوه بر اشعار حافظ، مولانا و احمد شاملو دو شعر (میان تاریکی و آفتاب می‌شود) را اجرا کرده و نام این مجموعه را هم «آفتاب می‌شود» گذاشته است.

اما «میان تاریکی» کاری از بابک

